

نعت رسول مقبول ص

دکتر احمد علی برقی اعظمی*

وجه وجود کون و مکان سیدالبشر	رطب اللسان به وصف تو هستند بحر و بر
باد صبا اگر به مدینه کنی سفر	همراه خود سلام مرا هم به او بیر
هستم دچار گردش آشوب روزگار	مشتاق دید گنبد خضراست چشم تر
ای آنکه قول و فعل تو قرآن ناطق است	شق شد به یک اشاره انگشت تو قمر
اشکی که می چکد به فراق ز چشم من	از شور و شوق و حال زبون می دهد خیر
پژمرده شد ز فصل خزان گلشن حیات	لطفاً بده ز نخل سعادت به من ثمر
مثل تو نیست دیگری در جمله کاینات	بعد از خدا بزرگ تویی قصه مختصر

این هم رود به سوی مدینه ز فضل رب

برقی شود ز فرصت دیدار بهره ور

* بخش فارسی رادیوی سراسری هند، دهلی نو.